

مهدی صفری، ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی)، ۱۳۸۴، ۱۶۴ صفحه.

مطالب این کتاب در شش فصل تنظیم شده و دارای ۴ ضمیمه است. در مقدمه کتاب با اشاره به اینکه جدا شدن بخش‌هایی از خاک ایران به وسیله روس‌ها اینک بخشی از تاریخ شده و فقط می‌توان از آنها درس گرفت، بر اهمیت شناخت روسیه معاصر برای سیاست خارجی کشورمان بخاطر مسائل خزر، راهگذر شمال - جنوب، ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر و... می‌نماید.

فصل نخست به ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی فدراسیون روسیه اختصاص یافته است. در مورد جغرافیای این کشور، نکته مهم اینست که ۷۶ درصد از خاک و ۶۶ درصد جمعیت اتحاد شوروی به روسیه رسیده که با بیش از ۱۷ میلیون کیلومتر مربع به عنوان گسترده‌ترین کشور جهان، از مرز لهستان تا ژاپن (حدود ۹ هزار کیلومتر) و مرز جمهوری آذربایجان تا جزایر فرانس یوزف را در بر می‌گیرد. ۷۰ درصد خاک این کشور جلگه‌ای است و بخش عمده آن در نوار اقلیم معتدل قرار دارد. نگارنده تاریخ روسیه را به چهار مرحله تقسیم کرده است. مرحله نخست، روسیه قدیم تا سقوط امپراتوری تزارها در سال ۱۹۱۷ را شامل می‌شود که با شکل‌گیری تدریجی دولت کیف در اوکراین طی قرون ۹ و ۱۰ میلادی و سپس قرون پانزده و شانزده میلادی دولت متمرکز روس و توسعه سرزمین و جنگ‌های مختلف با همسایگان ادامه پیدا کرد. این مرحله از انقلاب

بلشویکی شروع شده و تا پایان دوره استالین در سال ۱۹۵۳ را در بر می‌گیرد. مرحله سوم به دوران خروشچف تا به قدرت رسیدن گورباچف و مرحله چهارم به دوران گورباچف تا فروپاشی اختصاص دارد.

«نظام سیاسی فدراسیون روسیه» عنوان فصل دوم است. روسیه دارای ۸۹ واحد شامل ۱۶ جمهوری خودمختار، ۶ خطه، ۵ منطقه خودمختار، ۴۹ ناحیه ملی و یک منطقه ملی است و از نظر اقتصادی به ۱۲ منطقه تقسیم گردیده است. رئیس جمهور در رأس ساختار سیاسی و دارای اختیارات گسترده است. نظام قانونگذاری شامل دو مجلس شورای فدراسیون (متشکل از مناطق و به عنوان یک نهاد حاکمیتی فدرال) و دومای دولتی (متشکل از ۴۵۰ نماینده برای ۴ سال) است. رئیس جمهور در سه مورد قدرت انحلال دومای دولتی را دارد.

در فصل سوم به تحولات سیاسی روسیه جدید در دوران یلتسین می‌پردازد. ابتدا با اشاره به ظهور یلتسین و تحولات سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، نقش یلتسین در فروپاشی شوروی، هدایت روسیه پس از استقلال و انتقال قدرت و تثبیت سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در این دوره با غرب‌گرایی مقامات روس، اکثر وام‌ها، اعتبارات و کمک‌های خارجی در دست افراد نزدیک به رئیس جمهور قرار گرفت که به ظهور یک الیگارشی فاسد، مشکلات اقتصادی کشور، خروج سرمایه‌ها، سقوط ارزش روبل و فقر و ناامنی اجتماعی منجر شد. دوره یلتسین با نخست‌وزیری پریماکف، موفقیت‌ها و محبوبیت او و سرانجام برکناری او پایان می‌یابد.

فصل چهارم به فرآیند قدرت‌یابی پوتین و تحولات دوره او پرداخته است. از نظر نویسنده کتاب، پوتین بخاطر گمنامی و وفاداری به یلتسین نخست‌وزیر و سپس رئیس جمهور شد. جامعه روسیه در دوره روی کار آمدن پوتین در بی‌ثباتی اقتصادی، ناپایداری سیاسی، نامناسب بودن رفاه اجتماعی، ناامنی اجتماعی و ملی، تحقیر غرور ملی به سر می‌برد. انتخابات دومای ۱۹۹۹ و آرایش سیاسی احزاب به گونه‌ای رقم خورد که حزب وحدت (طرفدار پوتین) پیروز شد و زمینه را برای انتخابات ریاست جمهوری مارس ۲۰۰۰ آماده کرد. پوتین برنامه‌های خود را در مبارزه با الیگارشی، تمرکزگرایی و تقویت نقش و جایگاه دولت فدرال، تقسیم روسیه به ۷ منطقه، محدود

کردن حوزه انتخابات استانداران و رؤسای مناطق، اصلاح قانون اساسی، تقویت نقش ارتش و نیروهای امنیتی، تغییرات سیاست خارجی بر اساس اولویت‌های کشور مطرح ساخت.

فصل پنجم به سیاست خارجی روسیه اختصاص دارد و برای این کار، آن را در سه دوره دنبال نموده است:

دوره کوزیرف از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ که طرفدار مشارکت راهبردی با غرب و بویژه آمریکا بود. اما این دوره بخاطر تحولات داخلی (اعتراض و مخالفت‌های مردمی)، تحولات خارجی (تحقیق روسیه در جریان بحران بوسنی) پایان یافت. دوره پریماکف از سال ۱۹۹۶ که به حضور فعالتر در بحران‌های بین‌المللی، توجه بیشتر به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، شرق و جهان سوم و استفاده بیشتر از مزایای سیاسی این کشور در شورای امنیت سازمان ملل متحد و سازمانهای بین‌المللی دیگر منجر شد تا سال ۱۹۹۸ ادامه یافت. و سرانجام در دوره پوتین ضمن اینکه رابطه و همکاری با آمریکا در اولویت سیاست خارجی این کشور قرار داشت، همزمان گسترش همکاری با کشورهای مهم آسیایی، اروپایی و قبل از این کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در اولویت خاص بودند. روسیه در این دوره توانسته است با اولویت دادن به توسعه اقتصادی، همکاری سازنده در عرصه بین‌المللی با کشورهایارآمد نظر قرار داده و توانسته جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرت‌های جهانی تثبیت نماید. در نتیجه اعتدال روسیه، روسیه دوران پوتین از وزن و اعتبار بیشتری در صحنه بین‌المللی برخوردار شده است. نویسنده سپس به رفتار سیاست خارجی روسیه در خصوص مناطق و کشورهای مختلف چین، هند، ژاپن، کره، آسه‌آن، افغانستان، خاورمیانه، عراق، کشورهای خلیج فارس، اروپا، آمریکا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، آفریقا و آمریکای لاتین پرداخته است.

در واپسین فصل، روابط ایران و روسیه و مسائل دریای خزر مطرح می‌شود. سفر آقای رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به مسکو در سال ۱۹۸۹ و امضاء قرارداد همکاری نظامی به عنوان نقطه عطف روابط دو کشور در نظر گرفته شده است. اما از نظر نگارنده، فشارهای آمریکا، ذهنیت منفی تاریخی و مشکلات داخلی روسیه در سالهای اولیه مانع از

گسترش روابط دو کشور شد تا اینکه تلاش‌های متقابل در سالهای بعد به رونق روابط دو کشور و سفر آقای خاتمی به مسکو و امضای سند اساس روابط متقابل منجر گردید. همکاری‌های اقتصادی نیز به دلایل تاریخی و ساختاری (ساختار نامتناسب اقتصادی و تجاری، روند طولانی بوروکراتیک و اداری، عدم شناخت و آگاهی لازم و مرغوبیت اندک کالاهای ارائه شده) مطابق ظرفیت‌های دو کشور توسعه نیافته است. در کنار این، همکاری در بخش صنایع سنگین، نفت، گاز و بخش نظامی از وضع مساعدتری برخوردار بوده است. همچنین همکاری‌های علمی و فنی، حمل و نقل (کریدور شمال و جنوب)، همکاری بین استانی، همکاری‌های امنیتی، همکاری‌های فرهنگی، و همکاری در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی از روندی مثبت برخوردار بوده است. مسائل دریای خزر یکی از بحث‌های اصلی این فصل است. در ابتدا به محدودیت‌ها و موانع بر سر راه کسب حداکثر منافع جمهوری اسلامی ایران اشاره شده و سپس اهداف، عملکرد و راهبرد دولت مورد توجه قرار گرفته و بر این نکته تأکید شده است که مذاکرات سیاسی به تنهایی برای تأمین منافع کشور، کفایت نمی‌کند و اقدامات عملی نقش به‌سزایی در این خصوص دارد و باید با ایجاد باور ملی و بسیج امکانات توجه خاص به دریای خزر داشت. تسریع در اجرای طرح‌های تقویت صنایع و ناوگان دریایی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر بویژه در بخش نفت و گاز از جمله این اقدامات است که می‌بایست با ملاحظات سیاسی - امنیتی و نه صرفاً اقتصادی مدنظر قرار گیرد.

ضمیمه شماره ۱ کتاب، اقتصاد روسیه از نگاه آمار سال ۲۰۰۲ است. در ضمیمه شماره ۲ و ۳ مهمترین تحولات داخلی و خارجی روسیه در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ اشاره شده است. ضمیمه شماره ۴ نیز متن سند معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه را ذکر کرده است.